

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۰۱

نقش‌های ملی و پیدایش قدرت نرم:

تحلیل کمی گفتارها/نوشتارهای مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)*

حسین جعفرزاده بهابادی^۱

محسن خلیلی^۲**

۱. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان، ایران.

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان، ایران.

چکیده

اگرچه مطالعات نظری در حوزه قدرت نرم رو به افزایش دارد، اما توجه به رویکرد بومی در این مطالعات غلبه ندارد و از این حیث تلاش برای تعریف و نظریه‌پردازی بومی در این موضوع اولویت دارد. از این منظر نویسندگان تلاش دارند مستند به رهنمودهای مقام معظم رهبری به تحلیلی بومی از قدرت نرم دست یابند.

در مقاله‌ی پیش‌رو کوشش می‌شود با تحلیل کمی گفتارها و نوشتارهای مقام معظم رهبری، به تفسیری از بسامد شمارش‌های به‌دست‌آمده از مفاهیم هشت‌گانه‌ی نقش ملی، دست یافته شود. شمارش فراوانی‌ها، بیانگر وجود هشت نقش ملی است که به‌ترتیب، عبارت‌اند از: مدافع اسلام (۴۳۸)، ضدیت با امپریالیسم (۲۷۲)، سنگر انقلاب/رهایی‌بخش (۲۴۶)، توسعه‌ی داخلی (۲۱۴)، دولت‌سرمشق (۱۹۴)، رهبر و حافظ منطقه (۱۴۷)، مبارزه با صهیونیسم (۱۵۰)، دولت مستقل (۱۲۰). به‌نظر می‌رسد فراوانی نقش‌های ملی برگرفته از ایدئولوژی اسلامی، نشانگر استوارشدن سیاست‌ خارجی ایران بر قدرت نرم است که در آمیزش با قدرت سخت، امکان پدیدارشدن قدرت هوشمند را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، نقش‌های ملی، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، مقام

معظم رهبری.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ای با عنوان «سمت‌گیری، نقش‌ها و هدف‌های سیاست خارجی در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای»، در مقطع کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد است.

** ایمیل نویسنده مسئول:

قدرت نرم عبارت است از ابزارهایی که بدون استفاده از خشونت، موجب تأثیرگذاری می‌شود. مفروض قدرت نرم این است که بازیگران باید توانایی جذب سایرین به سوی دیدگاه‌های خود را که مشروع و معتبر تلقی می‌شود، داشته باشند. اگر بازیگر بتواند سایرین را به دیدگاه خود جلب کند، نیاز به استفاده از منابع پرهزینه‌تر قدرت سخت کاهش خواهد یافت (نای، ۱۳۸۷: ۴۴). قدرت نرم در روابط بین‌الملل به منظور توصیف قابلیت یک مجموعه‌ی سیاسی نظیر دولت، برای نفوذ (عمدتاً غیرمستقیم) بر رفتار یا علایق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای (عمدتاً) فرهنگی یا ایدئولوژیک به کار می‌رود (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۵۴). قدرت نرم برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه‌ی چهره‌ی موّجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم همراه با رضایت بر دیگران می‌باشد؛ به طوری که، امروزه این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت به کار می‌رود (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۱: ۱۰۳). قدرت نرم، توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگر کشورها در راستای منافع خود، با استفاده از منابع نامحسوس مثل فرهنگ و ایدئولوژی است (شیلز، ۱۳۷۷: ۱۰۰). قدرت نرم، بدین معناست که برای تنظیم ارتباطات با نظام بین‌الملل، وارد فضای منازعه نشویم. ورود به فضای مناقشه به معنای خروج از فضای قدرت نرم است (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

۱. چارچوب تحلیلی: نظریه نقش‌های ملی

ایده‌ی نگارش نوشتار پیش‌رو، بر دو پایه استوار است؛ یکی، مفهوم چیره‌طلبی است «که در این مورد می‌توان به مفاهیم رضایت هژمونیک و توانایی اشاره کرد. اولی، به پذیرش این بازیگر از سوی حداقل بخشی از جامعه‌ی جهانی اشاره دارد، درحالی که دومی یا توانایی، از قابلیت‌های آن در کنترل نتایج بین‌المللی حکایت می‌نماید. به این معنا که در یک ساختار هژمونیک، دولت پیشتاز باید بتواند حداقل بخشی از نتایج بین‌المللی را که با اهداف و اولویت‌های آن همخوانی دارد، شناسایی نموده و در تعیین قواعد بازی مربوط نقش کلیدی ایفا نماید. مفهوم توانایی، نقش کنش‌گر چیره‌طلب را به مفهوم قدرت نزدیک می‌نماید. به این ترتیب، این بازیگر برای پیشبرد اهداف خود به هر دو نوع منابع مادی و غیرمادی قدرت نیاز دارد» (کیوان حسینی، ۱۳۸۹: ۱۶۶)؛ دیگری، مقوله‌ی پیشبرد هوشمند سیاست خارجی ایران است یا «استراتژی تلفیق قدرت سخت و نرم در هدایت سیاست خارجی برای مقابله با هرگونه تهدیدات خارجی بسیار ضروری و حیاتی است یا

همان به‌کارگیری هماهنگ و متعامل قدرت سخت و نرم (قدرت هوشمند)» (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷-۱۸۶).

پس از مطرح‌شدن ایده‌هایی همچون تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، سلسله‌ی انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) [واتانابه و مک‌کانل، ریتولد، افتخاری، بیگی، حلمی‌زاده، شارب، عبدوس، ملیسن، ویلیامز همگی در سال ۱۳۸۹ و استیل، جانی‌پور، شیرودی، صبوری، لی، نگر و پونته و هلوی، همگی در سال ۱۳۹۰]، ادبیات هم‌پیوند با جنگ نرم و قدرت نرم و قدرت هوشمند را، بیش‌ازپیش فربه نمود. در نوشتارهای دیگر، پوراحمدی (۱۳۸۹)، بلیک و گلشن پژوه (۱۳۸۹)، هرسیچ، تويسرکانی و جعفری (۱۳۸۸)، هرسیچ و مولایی (۱۳۸۶)، هرسیچ (۱۳۹۰)، متقی‌زاده (۱۳۹۰)، نائینی (۱۳۹۰)، بیگدلو (۱۳۹۰)، پیشگاهی فرد و قالیباف (۱۳۹۰)، سلیمانی پورسرلک (۱۳۹۰)، جمال‌زاده (۱۳۹۱)، افتخاری (۱۳۹۱)، جزایری (۱۳۹۰)، عیوضی و امامی (۱۳۹۰)، به جنبه‌های دیگری از قدرت نرم، اشاره نمودند که در پروراندن ایده‌ی نوشتار حاضر، مدد رسان بودند. نگارندگان در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش‌اند که تحلیل بسامدگونه‌ی گفتارها و نوشتارهای مقام‌معظم‌رهبری در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، نشانگر وجود کدام‌یک از نقش‌های ملی هم‌پیوند با مقوله‌ی قدرت نرم است؟ بنابراین، بهره‌گیری از روش کمی توأم با تفسیر بسامدها، مدنظر نگارندگان است تا این فرضیه را بتوانند به آزمون گذارند: به‌نظر می‌رسد گوناگونی بسامد نقش‌های ملی هم‌پیوند با مفهوم قدرت نرم در گفتارها و نوشتارهای (۱۳۶۸-۱۳۸۸) رهبر انقلاب اسلامی، نشانگر باور به امتزاج قدرت نرم و قدرت سخت و پدیدارشدن قدرت هوشمند در روابط خارجی ایران است. تجلی این بحث مهم را می‌توان در نوع نقش ملی انتخاب شده ملاحظه نمود.

نقش‌های ملی به‌عنوان یکی از برون‌دادهای سیاست خارجی می‌تواند تأثیر قابل توجهی در اتخاذ تصمیمات ازسوی بازیگران روابط بین‌الملل داشته باشد. نقش‌ها از یک طرف با جهت‌گیری‌ها و از طرف دیگر با اهداف سیاست خارجی رابطه‌ی نزدیکی دارند (ستوده، ۱۳۸۵: ۸۸-۸۷). نقش ملی را می‌توان تعریفی دانست که سیاست‌گذاران از انواع متداول تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولتشان، و وظایفی که دولتشان در شرایط گوناگون جغرافیایی ایفا می‌کند، به‌عمل می‌آورند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۹۸). نقش‌های ملی در سیاست خارجی است که تعیین می‌کند یک دولت در یک وضعیت خاص و دوره‌ی زمانی معین چگونه خود را با جهان خارج مربوط می‌سازد و چه هدف‌های عام و خاصی را در رابطه با دیگر بازیگران بین‌الملل دنبال می‌کند (آقابخشی

و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۴۴۲).

با پذیرش دو پیش‌فرض، نوشتار پیش‌رو، قوام می‌گیرد؛ یکی آن‌که، نخستین نتیجه‌گیری از مفاهیم نقش ملی و سیاست خارجی آن است که بیشتر حکومت‌ها خود را همزمان ایفاگر چندین نقش در مجموعه‌های گوناگون روابط می‌بینند. دیگر آن‌که، «سیاست خارجی را افراد می‌سازند و اجرا می‌کنند، یعنی این‌که افراد می‌توانند در فرآیند سیاست خارجی دولتی مشخص، تأثیر داشته باشند، زیرا که ساختار دولت و همچنین فرآیندهای سیاست‌گذاری خارجی به افراد این اجازه را می‌دهد که دارای نقش و اثر باشند. اگر سیاست خارجی را افراد تنظیم می‌کنند و افراد بر آن تأثیر می‌گذارند، بنابراین نحوه ادراک این افراد از جهان بسیار بااهمیت است» (راست و بروست، ۱۳۸۱: ۳۶۹). بنابراین، تصورات، ایستارها، ارزش‌ها و برداشت‌ها، که در مجموع محیط ادراکی و روانی رهبران تصمیم‌گیر می‌باشد و همچنین خصوصیات شخصی آن‌ها می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذار باشد (هالستی، ۱۳۷۳: ۵۶۴-۵۵۷). در نظام سیاسی ایران، جایگاه رهبری از بالاترین اهمیت برخوردار است. بررسی گفتارها و نوشتارهای ایشان می‌تواند راهگشای شناخت برخی زوایای سیاست خارجی ایران باشد.

۲. دولت سرمشق و توسعه داخلی

نقش دولت سرمشق و توسعه داخلی از جمله نقش‌هایی هستند که کمترین سطح درگیری را در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کنند، زیرا در این دو نقش نوعی درون‌گرایی مشاهده می‌شود که حیطه مسئولیت‌ها، جهت دستیابی به اهداف این دو نقش، در درون مرزهای جغرافیایی متمرکز شده است. در نقش دولت سرمشق دولت از طریق دنبال کردن خط‌مشی‌های داخلی خاص خود در پی کسب نفوذ بر دیگر دولت‌ها می‌باشد. در نقش توسعه داخلی هم تلاش حکومت در پرداختن به مسائل توسعه داخلی است (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۵). در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری پیوندی بین این دو نقش وجود دارد؛ به طوری که یکی از راه‌های تحقق دولت سرمشق، سازندگی کشور است. توسعه و پیشرفت، کشور را به‌عنوان یک الگوی حکومتی نمونه برای دیگر کشورها قرار خواهد داد.

جدول ۱: نقش دولت سرمشق در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۴۹	۲۵٪
۷۰-۷۲	۳۰	۱۵٪
۷۲-۷۴	۱۰	۵٪
۷۴-۷۶	۳۲	۱۶٪
۷۶-۷۸	۱۱	۶٪
۷۸-۸۰	۱۳	۷٪
۸۰-۸۲	۸	۴٪
۸۲-۸۴	۱۸	۹٪
۸۴-۸۶	۴	۲٪
۸۶-۸۸	۱۹	۱۰٪
فراوانی مجموع	۱۹۴	۱۰۰٪
میانگین	۱۹	

۱۳
دو فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

نقش های ملی و پیدایش قدرت نرم
محسن خلیلی و همکار

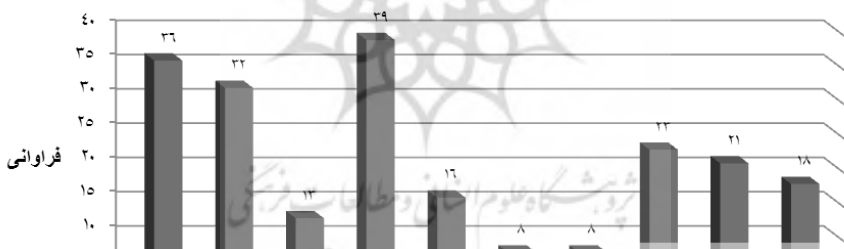
نمودار ۱: نقش دولت سرمشق در گفتارها و نوشتارهای مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



جدول ۲: نقش توسعه‌ی داخلی دربیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

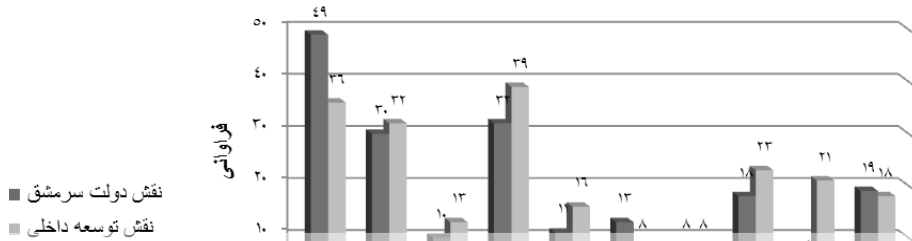
سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۳۶	۱۷٪
۷۰-۷۲	۳۲	۱۵٪
۷۲-۷۴	۱۳	۶٪
۷۴-۷۶	۳۹	۱۸٪
۷۶-۷۸	۱۶	۷٪
۷۸-۸۰	۸	۴٪
۸۰-۸۲	۸	۴٪
۸۲-۸۴	۲۳	۱۱٪
۸۴-۸۶	۲۱	۱۰٪
۸۶-۸۸	۱۸	۸٪
فراوانی مجموع	۲۱۴	۱۰۰.۰۰٪
میانگین	۲۱.۴	

نمودار ۲: نقش توسعه‌ی داخلی در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



با نگاهی به جدول و نمودار ۱ می‌توان به این نکته پی برد که از مهم‌ترین نقش‌هایی که با توجه به شمارش بسامدها در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری در سیاست خارجی ایران تعریف شده است، نقش ملی دولت سرمشق است. تکرار این نقش ملی با مجموع فراوانی ۱۹۴ و میانگین ۱۹ می‌باشد. همچنین نقش ملی توسعه‌ی داخلی که نشان‌دهنده‌ی تلاش حکومت در پرداختن به توسعه داخلی می‌باشد، با مجموع فراوانی ۲۱۴ و میانگین ۲۱ نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالای این نقش ملی در بیانات ایشان است.

نمودار ۳: مقایسه‌ی فراوانی نقش دولت‌سرمشق و توسعه‌ی داخلی در بیانات و مکتوبات مقام‌معظم‌رهبری (۱۳۸۸-۱۳۶۸)



باتوجه به نمودار (۳) مشخص می‌شود که بالاترین فراوانی نقش دولت‌سرمشق و توسعه‌ی داخلی در بیانات مقام‌معظم‌رهبری مربوط به دوران ریاست جمهوری هاشمی می‌باشد. در این دوران، کارگزاران سازندگی سعی کردند با اولویت قرار دادن مسائل اقتصادی و جبران خسارات ناشی از جنگ ۸ ساله، در مسیر سازندگی کشور گام بردارند؛ به طوری که، رفسنجانی با انتقاد از عملکرد اقتصادی ایران از زمان انقلاب، در مبارزه‌ی انتخابی سال ۱۳۶۸ خود، قول «شکوفایی اقتصادی» کشور را داد و برنامه‌ی اقتصادی پنج‌ساله بی‌سابقه‌ای را به اجرا گذاشت (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۳). از مقایسه‌ی فراوانی‌های حاصل از دو نقش توسعه‌ی داخلی و دولت‌سرمشق برگرفته از نمودار (۳)، می‌توان چنین دریافت که فراز و فرود این دو نقش در سال‌های مختلف، تقریباً یکسان بوده است. در سال‌هایی که فراوانی نقش دولت‌سرمشق افزایش یافته، فراوانی متغیر توسعه‌ی داخلی هم آمار بالایی را نشان می‌دهد. بنابراین، نقش توسعه‌ی داخلی می‌تواند در پیوند با نقش دولت‌سرمشق در جهت تأمین منافع ملی کشور عمل کند. زیرا از منظر مقام‌معظم‌رهبری، یکی از خط‌مشی‌هایی که می‌تواند ایران را به عنوان یک دولت‌سرمشق در منطقه معرفی کند پرداختن به مسائل توسعه‌ی داخلی و حرکت در مسیر سازندگی است: «علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارائه بدهد» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۸/۰۵/۱۲ - الف).

تأکید ایشان بر نقش توسعه داخلی بدین سبب است که جمهوری اسلامی با دست‌یابی به اقتصادی شکوفا و توسعه‌ای با الگوی اسلامی - ایرانی، گام‌های فراملی انقلاب را از طریق ایجاد جذابیت برای دیگر کشورها خواهد پیمود و درصدد بازتولید حیات طیبه‌ای بر خواهد آمد که الگویی برای جهان اسلام باشد: «ما آمدیم تا حیات طیبه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم... چون بازتولید حیات طیبه‌ی اسلامی در کشور ما می‌تواند و می‌توانست و می‌تواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای این‌که دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹ - ب). از دیدگاه ایشان، افزون بر سازندگی کشور، خط‌مشی‌های دیگری که می‌تواند ایران را به دولت سرمشق تبدیل کند، عبارت‌اند از: «تشکیل حکومت اسلامی نمونه»، «مقاومت در مقابل قدرت‌های استکباری»، «عدالت اجتماعی»، «حفظ شخصیت، منش و چهره‌ی انقلابی خود»، «حفظ وحدت و یکپارچگی»، «ایجاد نظام مرفه و آزاد»، «استقلال ملی» و «دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام».

درواقع، بروز نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی در سیاست خارجی ایران انقلابی، نمایانگر تلاش ایران در صدور نرم‌افزاری انقلاب اسلامی می‌باشد. از نظر مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی با «جاذبه‌های خودش» صادر می‌شود: «من می‌گویم مسأله‌ی صدور انقلاب که بارها و بارها تکرار کرده‌اند، یک حرف بی‌معنا و پوچ است. انقلاب چیزی نیست که کسی آن را صادر کند. انقلاب کالا نیست که بشود صادرش کرد. انقلاب، محموله نیست که بتوان آن را به جای دیگری برد و یا به کشور دیگری صادر کرد. انقلاب، اگر درست و منطقی باشد و اگر برای ملت‌ها جاذب باشد، خودش صادر می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۱/۰۴ - پ). صدور انقلاب از طریق «جاذبه‌های خودش» در حقیقت همان قدرت نرم است که به دنبال اقتناع سایر بازیگران از طریق جذب است و نه از طریق ابزار قهرآمیز. در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۰، آرمان‌گرایی بر فضای سیاست خارجی ایران، چیره بود و این سیاست باید بر طبق آموزه‌ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی تنظیم می‌شد. در این سال‌ها برداشت تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی، ایدئولوژیک بود (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۳). بنابراین، جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد تا بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل، هنجارهای موجود در سیاست بین‌الملل را برهم زده و نظم موردنظر خود را جایگزین آن نماید. در این راستا سیاست خارجی جدید ایران مخاطب خود را ملت‌ها قرار داده بود، با این امید که از طریق ارتباط با ملت‌ها قادر خواهد

بود به اهداف انقلاب اسلامی دست یابد (کریمی فرد، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

در حالی که ایران در اواخر دهه‌ی ۶۰ در وضعیتی قرار داشت که وجود دو نقش توسعه‌ی داخلی و دولت‌سرمشق در سیاست خارجی بهتر می‌توانست منافع ملی ایران را تأمین کند و سیاست خارجی آرمان‌گرا و گرایش به ابزارهای قهرآمیز، دیگر پاسخ‌گوی نیازهای داخلی و خارجی ایران نبود. چنانچه بعد از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ مقامات بلندپایه‌ی ایران ارزیابی کاملاً مشخصی از اوضاع داخلی و سیاست‌های بین‌المللی بعد از انقلاب عرضه داشتند، که هدف اصلی و اولیه‌ی آن‌ها را باید برطرف ساختن موانع رشد و توسعه‌ی ایران در دهه‌ی اول انقلاب دانست (احتشامی، ۱۳۸۷: ۸۵)؛ به طوری که، بالاترین اولویت برای مقام‌رهبری و هاشمی، بازسازی اقتصادی کشور بود (رمضانی، ۱۳۸۰: ۸۳). پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ نشانه‌ی آن بود که از دید واقع‌گرایان، اولویت نخست برپاکردن انقلاب اسلامی در داخل است نه صدور آن به خارج (رمضانی، ۱۳۸۰: ۷۲). این روند نمایش خارجی انقلاب را کاهش داد؛ در نتیجه از صدور انقلاب صحبت کمتری به میان آمد. مقام‌معظم‌رهبری چنین بیان می‌کنند: «مسئله این نیست که ملت ایران یا مسئولان این کشور بخواهند با روش‌های معمول دنیا، انقلاب را به جایی و برای کسی صادر کنند؛ بلکه موضوع این است که وقتی تفکر و درک اسلامی و الهی و بینش نوین برای جمعی از مسلمین مطرح می‌شود، به‌طور طبیعی همه‌ی فضای عالم اسلام بنابر ظرفیت و موقعیت خود، از آن بینش و درک استفاده خواهند کرد» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۰۴-ت). نیز: «نظام جمهوری اسلامی، در صدد صادرکردن هیچ چیز نیست. نظام جمهوری اسلامی دارای حقیقتی است که همان انقلاب است. این ملت، حقیقت انقلاب را به وجود آورد و نظام جمهوری اسلامی، تجسم انقلاب است... تفکر انقلاب و پیام انقلاب که پیام آزادی و بیداری است، احتیاج به صادرکردن ندارد. مگر لازم است کسی این مفاهیم را صادر کند؟! خوب؛ یک حرف و حقیقتی است که ملت‌ها از آن بی‌خبرند. وقتی مواجه شدند و تجربه‌ی موفق جمهوری اسلامی را دیدند، قهراً درس می‌گیرند» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴-ث).

بعد از پایان جنگ، ضرورت سازندگی و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله‌ی بازسازی استوار بر رفع انزوا، خودداری از دشمن‌تراشی و فعالیت بین‌المللی به‌نحو مثبت بود؛ که لازمه‌ی تحقق این اهداف، القای حس امنیت و بی‌خطری از جانب ایران نسبت به حکام منطقه بود (ایزدی، ۱۳۷۷: ۷۳). در این رابطه الگوی رفتاری کشور از رویارویی به مصالحه و از توسعه‌طلبی به همزیستی مورد تأکید قرار گرفت؛ این، در حالی است که

آرمان‌گرایان، خواستار بهره‌گیری از هر وسیله‌ای برای صدور انقلاب بودند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۸۶). مقام‌معظم‌رهبری وجهه‌ی «بین‌المللی بودن» و «فراملی بودن» انقلاب اسلامی ایران را به معنای دخالت در امور دیگر کشورها نمی‌دانستند: «این‌که ما می‌گوییم «انقلاب یک وجهه‌ی بین‌المللی و جهانی دارد» به این معنا نیست که انقلاب در امور کشورها و ملت‌ها دخالت می‌کند. انقلاب یک پیام، حرف منطقی و یک راه روشن دارد. این راه روشن در مقابل چشم ملت‌هاست. ملت‌ها آن را می‌بینند. اگر بیسندند آن را می‌پذیرند و از آن راه می‌روند. ما هیچ تحمیلی بر ملت‌های دیگر نداریم؛ اما واقعیتی که اتفاق افتاده این است که ملت‌ها این راه روشن را دیده‌اند و شناخته‌اند. تعداد ملت‌هایی که پیمودن این راه را انتخاب کرده‌اند، کم نیست» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴-ج).

بنابر آنچه در تفسیر بسامدهای به‌دست‌آمده از بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب در مورد دو نقش دولت‌سرمشق و توسعه‌ی داخلی گفته شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که ایران در اواخر دهه‌ی ۶۰ و بعد از آن، از طریق دو نقش دولت‌سرمشق و توسعه‌ی داخلی سعی می‌کرد صدور انقلاب را از کانال قدرت‌نرم پی‌گیری کند؛ زیرا هدف از حضور این دو نقش در سیاست خارجی، این بود که انقلاب اسلامی در مسیری قرار گیرد که از طریق «جاذبه‌های خودش» مورد پذیرش دیگران قرار گیرد. با توجه به این‌که این دو نقش در فضای سیاست بین‌الملل تنش‌ی ایجاد نمی‌کند، می‌توان آن‌ها را نمود بازی از کاربست قدرت‌نرم در سیاست خارجی ایران دانست.

۳. نقش ملی‌سنگر انقلاب / رهایی‌بخش

دولت‌هایی که ایفاگر چنین نقشی در صحنه‌ی بین‌المللی هستند در واقع یکی از وظایف خود را آزادساختن دیگران یا عمل‌کردن به‌عنوان سنگر جنبش‌های انقلابی خارجی می‌دانند؛ یعنی کانونی را به‌وجود می‌آورند که رهبران انقلابی خارجی می‌توانند آن را به‌عنوان منبع حمایت مادی و معنوی، و الهام‌بخش ایدئولوژیک تلقی نمایند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۹۹). در بیانات مقام‌رهبری، ایران، کانون حمایت از محرومان و مظلومان و مرکز الهام‌بخش بوده که موجبات بیداری سایر ملت‌ها را فراهم ساخته است. اتخاذ چنین نقشی در سیاست خارجی از فراوانی بالایی برخوردار است.

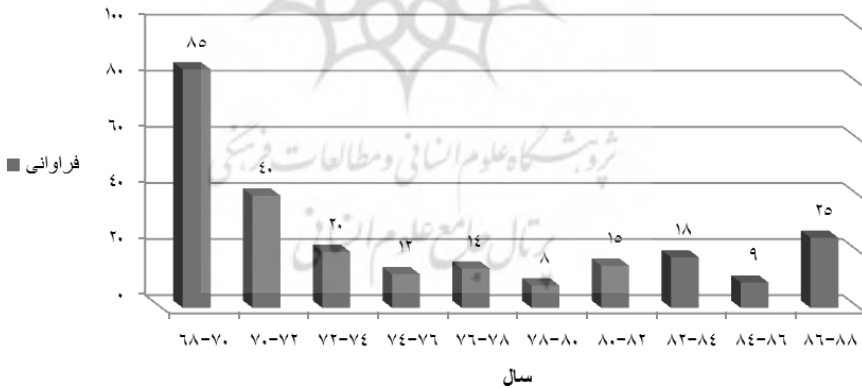
جدول ۳: نقش ملی سنگر انقلاب/ رهایی بخش در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۸۸-۱۳۶۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۸۵	۳۵٪
۷۰-۷۲	۴۰	۱۶٪
۷۲-۷۴	۲۰	۸٪
۷۴-۷۶	۱۲	۵٪
۷۶-۷۸	۱۴	۶٪
۷۸-۸۰	۸	۳٪
۸۰-۸۲	۱۵	۶٪
۸۲-۸۴	۱۸	۷٪
۸۴-۸۶	۹	۴٪
۸۶-۸۸	۲۵	۱۰٪
مجموع فراوانی	۲۴۶	۱۰۰٪
میانگین	۲۵	

۱۹
دانشنامه مطالعات
قدرت نرم

نقش های ملی و پیدایش قدرت نرم
محسن خلیلی و همکار

نمودار ۴: نقش ملی سنگر انقلاب/ رهایی بخش در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۸۸-۱۳۶۸)



ارزش های اسلامی که در شکل گیری انقلاب اسلامی مؤثر بودند، میراثی را برای کشور برجای گذاشتند، که به شدت نحوه عمل ایران بعد از انقلاب را در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، خارجی و بین المللی تحت تأثیر خود قرار داد. یکی از این ارزش ها، لزوم حمایت از مظلوم در برابر ظالم بود (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۵۴). نتیجه

عینی اهمیت یافتن مسئله‌ی ظالم و مظلوم را می‌توان در اصول قانون اساسی مشاهده کرد. در اصل ۱۵۴ تأکید شده است که: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). مستند قرآنی این نقش ملی، آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی نساء است که از مسلمانان می‌خواهد که در راه رهایی و آزادی مستضعفان به مبارزه با مستکبران و ظالمان پردازند. آیت‌الله خامنه‌ای با تعریف این نقش ملی، ایران را به‌عنوان ناجی ملت‌های مستضعف و زیرسلطه‌ی جبهه استکبار معرفی می‌کند: «این ملت با این خصوصیات، از اسلام و از قرآن و از ارزش‌هایی که قرآن آن‌ها را در مقابل ارزش‌های طاغوتی مطرح کرده است، دست برنخواهد داشت و به وسیله اسلام خواهد توانست ملت‌های دیگر را هم به فضل پروردگار نجات دهد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۲۴-چ). در واقع ایران می‌خواهد کانونی را به وجود بیاورد که دیگران آن را به‌عنوان منبع حمایت مادی و معنوی و الهام‌بخش ایدئولوژیک تلقی کنند: «حقیقت سوم این است که همه‌ی دنیا- هم توده‌های مسلمان و مستضعف و محروم عالم، و هم اردوگاه استکبار- تشخیص داده و فهمیده‌اند که کانون و محور و مرکز این حرکتی که امروز در جهت آرمان‌های اسلامی در دنیا مشاهده می‌شود، جمهوری اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۳/۱۴-ح)؛ همچنین از دیدگاه ایشان: «پایگاه این حرکت آزادیبخش و نجات‌بخش جهانی هم، همین قبه‌الاسلام و مرکز حرکت الهی انقلاب اسلامی- یعنی ایران- است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۰۸/۰۵-خ). ایشان، به سرانجام رساندن مسئولیت‌های این نقش ملی را، منبع بیداری اسلامی در منطقه می‌دانند؛ به طوری که جمهوری اسلامی با هویت‌بخشی و حمایت سیاسی و معنوی از جنبش‌های رهایی‌بخش در دنیا و «صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملت‌های مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده‌اند»، «روح بیداری» و «خودباوری» را شکل داده است: «مسئله‌ی دیگر، حمایت معنوی و سیاسی ما از همه کسانی است که در راه اسلام و حاکمیت اسلامی تلاش می‌کنند. هر کس، در هر جای دنیا برای عزت اسلام قیام کند، ما از او حمایت معنوی و سیاسی می‌کنیم. دشمن می‌خواهد بگوید «شما پشتیبانی مادی می‌کنید» این، دروغ است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۳/۱۴-د). همچنین: «امروز فریاد اسلام‌خواهی ملت ایران که اول‌بار از زبان امام امت برخاست، ملت‌ها را بیدار کرده و دل‌ها را تکان داده و در

منطقه روح بیداری و خودباوری به وجود آورده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۶/۲۹-ذ). در واقع، وظیفه‌ی مهم جمهوری اسلامی در ایفای این نقش ملی که از فراوانی بالایی در بیانات مقام رهبری برخوردار است، الهام‌بخشی و هویت‌سازی و حمایت مادی و معنوی از مظلومان و مستضعفان عالم در راستای نجات آن‌ها از زیر سلطه‌ی استکبار می‌باشد. آنچه در بیانات رهبرانقلاب نمایان است، الهام‌بخشی با ابزارهای قهرآمیز صورت نخواهد گرفت، بلکه ایران با پروراندن ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی در بطن نظام، منبعی الهام‌بخش و هویت‌ساز برای دیگرملت‌ها خواهد بود: «تحلیل‌گران غربی تحلیل کردند و فهمیدند... این حرکت الهام‌بخش خواهد شد، دنیای اسلام را تکان خواهد داد، ملت‌ها را به فکر خواهد انداخت. همین هم شد. فلسطین به فکر افتاد، کشورهای شمال آفریقا به فکر افتادند، در تمام دنیای اسلام حرکت و جنب و جوش هویت‌یابی اسلامی شروع شد که تا امروز هم همچنان روبه توسعه و گسترش است. چون فهمیدند که اینجا کانون الهام‌بخش دنیای اسلام خواهد شد، گفتند جمهوری اسلامی را باید ما به هر کیفیتی هست، از بین ببریم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۲۲-ر).

۴. نقش ملی مبارزه با امپریالیسم

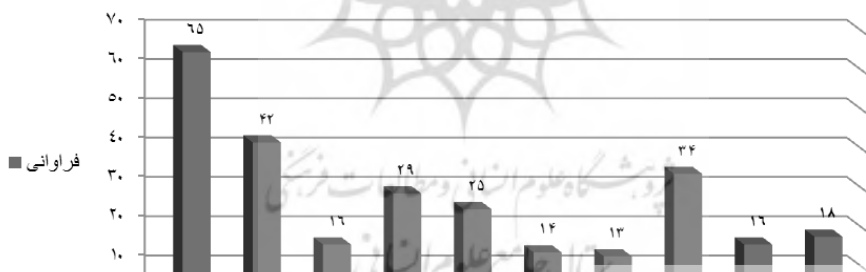
هرکجا که امپریالیسم به‌عنوان خطری جدی تصور شود، حکومت‌های بسیاری خود را عاملان مبارزه با این خطر می‌دانند (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۲). در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری استکبارستیزی و مبارزه با سلطه را می‌توان در راستای نقش مبارزه با امپریالیسم عنوان کرد. در این نقش ملی، وظیفه‌ی جمهوری اسلامی این است که در هرکجای دنیا، علیه استکبار و نظام سلطه مبارزه کند.

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴: نقش ملی مبارزه با امپریالیسم در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۶۵	۲۴٪
۷۰-۷۲	۴۲	۱۵٪
۷۲-۷۴	۱۶	۶٪
۷۴-۷۶	۲۹	۱۱٪
۷۶-۷۸	۲۵	۹٪
۷۸-۸۰	۱۴	۵٪
۸۰-۸۲	۱۳	۵٪
۸۲-۸۴	۳۴	۱۳٪
۸۴-۸۶	۱۶	۶٪
۸۶-۸۸	۱۸	۷٪
مجموع فراوانی	۲۷۲	۱۰۰٪
میانگین	۲۷	

نمودار ۵: نقش ملی مبارزه با امپریالیسم در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



اگرچه واژه‌ی «امپریالیسم» در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری به ندرت استفاده شده است ولی بسیاری از مفاهیم دیگر از جمله «مستکبرین»، «سلطه‌گران»، «استعمارگران»، «زورگویان»، «شیاطین»، در بیانات ایشان بار معنایی امپریالیسم و نظام سلطه را تداعی می‌کند؛ که ایشان مبارزه با آن‌ها را به عنوان نمادهای نظام سلطه، یکی از نقش‌های مهم در سیاست خارجی می‌دانند. مجموع فراوانی این نقش ملی ۲۷۲ و میانگین ۲۷ می‌باشد.

دیدگاه انقلاب اسلامی در خصوص ابرقدرت‌ها و نقش تاریخی آن‌ها در قبال ایران، خصومت رهبری انقلاب و حامیان‌ش را نسبت به قدرت‌های بیگانه برانگیخته است، چنانچه ضدیت و مبارزه با سلطه به یکی از مهم‌ترین نقش‌های ملی سیاست خارجی ایران تبدیل شده است: «ما در دنیا اعلام کرده‌ایم که انقلاب اسلامی، با نظام سلطه مخالف است. نظام سلطه، یعنی این‌که دولت‌ها و قدرت‌هایی زور بگویند و ملت‌ها و گروه‌ها و کشورها و دولت‌هایی، آن زور را قبول کنند. طرفین، طرفین نظام سلطه‌اند و ما نظام سلطه را رد کردیم و رد می‌کنیم و با آن به مبارزه برمی‌خیزیم. ما در نظام سلطه، طرفین را مقصر می‌دانیم؛ هم سلطه‌گر و هم سلطه‌پذیر را. استکبار، به معنای همین نظام سلطه است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۸/۱۰-ز). نیز: «سلطه‌گری از نظر همه‌ی انسان‌های سالم محکوم است. با سلطه‌گری مقابله کنید؛ این موضع اساسی شماست. باید این موضوع را بخواهید و بپرسید: چرا بخش سلطه‌گر دنیا می‌خواهد خودش را بر همه‌ی دنیا تحمیل کند؟ این موضوع هم باید جزو مسائل تهاجمی شما قرار گیرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵-ژ). ایشان نماد بارز سلطه‌گری و استکبار را آمریکا می‌دانند. در موارد متعددی در نظام گفتاری ایشان زمانی که که صحبت از مبارزه با سلطه و استکبار شده از دولت آمریکا به‌عنوان دولتی شیطان‌صفت، زورگو و مستکبر نام برده شده است. در واقع در این نقش ملی موضع سازش‌ناپذیر ایران را با دولت آمریکا می‌توان مشاهده کرد: «مبارزه با استکبار، یعنی این که هر جایی در سطح جهان، اگر آمریکایی‌ها علیه ملتی، علیه اصلی از اصول اسلامی و علیه حقیقتی که ما به آن پایبند هستیم، حيله و ترفندی به کار ببندند، ما آن حيله را برملا و خشتی خواهیم کرد و تا به حال هم کرده‌ایم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹-س). نیز: «اما راه دیگر این است که ملت‌ها بایستند و مبارزه کنند. با چه کسی مبارزه کنند؟ طرف مبارزه، اگر چه یک جنس است، اما مختلف است. باید با آن دستگاه و جهتی که دیکتاتوری جهانی را تقویت می‌کند، مبارزه کنند. گاهی با یک دولت است، گاهی با یک دولت دیگر است. گاهی با خود امریکاست و گاهی با روش‌هایی است مجاهدانه و همراه با از خود گذشتگی؛ مثل آنچه که در فلسطین و لبنان اتفاق می‌افتد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۸/۱۳-ش). قاعده‌ی نفی سبیل به معنای انسداد کلیه‌ی راه‌های مستقیم و غیرمستقیم سلطه و تفوق کفار بر مسلمین، استوار بر صریح آیه‌ی ۱۶۱ سوره‌ی نساء، اولین مبنای قرآنی این اصل است. در اصول دوم و سوم قانون اساسی، بر نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی، نظام سلطه و طرد کامل استعمار و استکبار تأکید شده است. وظیفه‌ی جمهوری اسلامی، این نیست که راه سلطه و نفوذ آنان را ببندد، بلکه فراتر از آن

مكلف به مبارزه با استكبار، نظام سلطه، ظلم و بی عدالتی است؛ زیرا جهان شمولی اسلام و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی، رعایت این اصل را در چارچوب یک سیاست خارجی تهاجمی ایجاب می کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

۵. نقش ملی عامل ضد صهیونیسم

در این نقش ملی رژیم صهیونیستی به عنوان رژیم جلی که منافع مسلمانان را تهدید می کند معرفی می شود. مقام معظم رهبری وظیفه ی ایران را مبارزه با این رژیم غاصب می دانند.

جدول ۵: نقش ملی عامل ضد صهیونیسم در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۳۱	۲۱٪
۷۰-۷۲	۲۳	۱۵٪
۷۲-۷۴	۲۰	۱۳٪
۷۴-۷۶	۱۲	۸٪
۷۶-۷۸	۹	۶٪
۷۸-۸۰	۱۹	۱۳٪
۸۰-۸۲	۱۷	۱۱٪
۸۲-۸۴	۶	۴٪
۸۴-۸۶	۷	۵٪
۸۶-۸۸	۶	۴٪
مجموع فراوانی	۱۵۰	۱۰۰٪
میانگین	۱۵	

نمودار ۶: نقش ملی عامل ضد صهیونیسم در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



مقام معظم رهبری، اسرائیل را به‌لحاظ امنیتی، خطری بزرگ برای منطقه و جهان اسلام می‌داند. خطری که جهان اسلام را به‌لحاظ سیاسی، اقتصادی، انسانی و اسلامی تهدید می‌کند: «از جهت امنیتی، مسئله‌ی اسرائیل، یک خطر امنیتی، نه فقط برای مردم خودش، بلکه برای کل منطقه است؛ برای این‌که این‌ها الان زرادخانه‌ی اتمی دارند و باز هم تولید می‌کنند! سازمان ملل هم چند بار هشدار داده، اما اعتنا نکرده‌اند؛ البته عمده‌اش هم به خاطر پشتیبانی آمریکاست؛ یعنی گناه کارهای صهیونیست‌ها و دولت غاصب، به میزان زیادی به گردن رژیم آمریکاست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰-ص). ایران را می‌توان بزرگ‌ترین پایگاه مبارزه با اسرائیل دانست که رژیم صهیونیستی را رژیم جعلی در منطقه می‌داند. بنابراین نجات فلسطین و محو اسرائیل از منطقه با مصالح ملت‌های این منطقه، از جمله مصالح ایران سروکار دارد. مقام معظم رهبری موضع ایران نسبت به اسرائیل را چنین بیان می‌کنند: «موضع ما در مقابل اسرائیل، همان موضع همیشگی است. اسرائیل در منطقه، یک غده‌ی بدخیم سرطانی است که باید قطع شود و ریشه‌کن گردد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۰۹-ض). همچنین: «جمهوری اسلامی ایران از روز اول، موضعش را در مقابل این پدیده زشت، روشن کرده است. موضع جمهوری اسلامی ایران که امام فرمودند، بارها مسئولان گفته‌اند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم، این است که اساساً این غده سرطانی اسرائیل باید از این منطقه کنده شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵-ط). بنابراین، ایشان، وظیفه‌ی جمهوری اسلامی را در راستای تحقق نقش ملی ضد صهیونیسم چنین بیان می‌کنند: «ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین و بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود و به برادران فلسطینی خود توصیه می‌کنیم که راه خدا یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲-ظ). ایشان، خط کلی مبارزه با رژیم غاصب را چنین می‌دانند: «الف) زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش؛ و، ب) تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه‌ی ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقق پیروزی نهایی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۲/۰۴-ع). نقش مبارزه با صهیونیسم را می‌توان در کنار نقش عامل ضدامپریالیسم و سنگر انقلاب قرار داد. این نقش ملی را می‌توان برآیند گفتمان «مظلوم‌محوری» و «سلطه‌ستیزی» حاکم بر نظام گفتاری ایشان دانست. جایگاه مردم فلسطین در گفتمان مظلوم‌محور و جایگاه رژیم صهیونیستی، در گفتمان سلطه‌ستیز

مشخص می‌شود، به طوری که در همه‌ی این نقش‌ها جمهوری اسلامی مبارزه خود را با سلطه‌گران و حمایت از مستضعفین و مظلومان عالم نشان داده‌است.

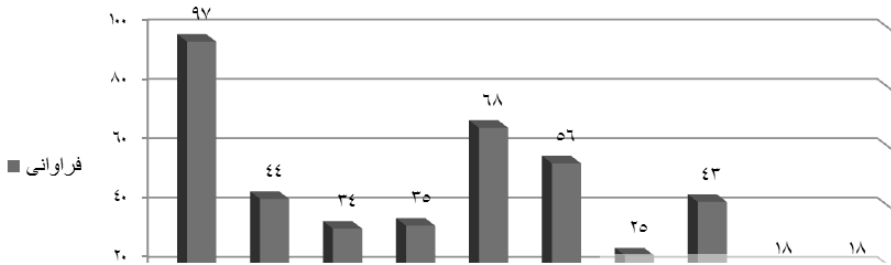
۶. نقش ملی مدافع اسلام

برخی حکومت‌ها، دفاع در برابر حمله به ارزش‌های خودشان را، به عنوان یکی از وظایف سیاست خارجی تلقی می‌کنند (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۲). چنانچه آمریکا دفاع از ارزش‌های لیبرالی را وظیفه‌ی خود می‌داند و در صورتی به حاکمیت‌های ملی احترام می‌گذارد که در راستای ارزش‌ها و قالب‌های لیبرال، فعالیت خود را سامان دهند. در مقابله با چنین نگاهی نقش ملی مدافع اسلام در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری در چارچوب دفاع از ارزش‌های اسلامی معنی پیدا می‌کند. این در حالی است که ایشان در مخالفت با لیبرالیسم و مارکسیسم، بارها در بیانات و مکتوبات خود بر وظیفه‌ی جمهوری اسلامی در دفاع از ارزش‌های اسلامی تأکید کرده‌اند. ایشان جمهوری اسلامی را به عنوان پرچم‌دار اسلام در دنیا معرفی می‌کنند. با توجه به این که این نقش ملی از بالاترین فراوانی (۴۳۸) نسبت به نقش‌های دیگر برخوردار است، بنابراین، نقش ملی مدافع اسلام را به عنوان مهم‌ترین نقش ملی سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌توان معرفی کرد.

جدول ۶: نقش ملی مدافع اسلام در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۹۷	۲۲٪
۷۰-۷۲	۴۴	۱۰٪
۷۲-۷۴	۳۴	۸٪
۷۴-۷۶	۳۵	۸٪
۷۶-۷۸	۶۸	۱۶٪
۷۸-۸۰	۵۶	۱۳٪
۸۰-۸۲	۲۵	۶٪
۸۲-۸۴	۴۳	۱۰٪
۸۴-۸۶	۱۸	۴٪
۸۶-۸۸	۱۸	۴٪
مجموع فراوانی	۴۳۸	۱۰۰٪
میانگین	۴۴	

نمودار ۷: نقش ملی مدافع اسلام در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



دفاع از اسلام به‌عنوان یکی از پررنگ‌ترین نقش‌های ملی با مجموع فراوانی ۴۳۸ و میانگین ۴۴ نشان دهنده وجه ایدئولوژیک سیاست خارجی است. ارزش‌های اسلامی، شکل‌دهنده‌ی بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی ایران می‌باشد. دفاع از اسلام و ارزش‌های آن نیز، یکی از پربسامدترین مؤلفه‌ها در بیانات مقام معظم رهبری است. دفاع از ارزش‌های جهان‌شمول برآمده از انقلاب اسلامی در مقابل ارزش‌های غربی و کمونیستی همواره از سوی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است. چنانچه تأکید بر ارزش‌های اسلامی، پدیدآورنده‌ی نقشی دیگر در سیاست خارجی، با نام مدافع اسلام است: «امروز مکتب‌های فلسفی و مکتب‌های معرفتی دنیا، در کار بشریت در مانده‌اند. باور کنید مکاتب اجتماعی دنیا در کار انسان در مانده‌اند و راه پیدا نمی‌کنند. آن مارکسیسم بود که آن‌طور شکست خورد و نابود شد. مکاتب غربی نیز همین طورند؛ در مانده‌اند. دلیل در ماندگیشان این است که در غرب علم هست، پول هست، قدرت نظامی هست؛ سعادت نیست، سکینه و طمانینه نیست، آرامش معنوی نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۸-غ). همچنین به‌تعبیر ایشان: «یک خلأ و سؤال در دنیای غرب وجود دارد؛ این خلأ را دیگر پاسخ‌های لیبرال دموکراسی نمی‌تواند پر کند، کما این که سوسیالیسم نتوانست پر کند. این خلأ را یک منطق انسانی و معنوی می‌تواند پر کند، که این در اختیار اسلام است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹-ف).

با فروپاشی شوروی، ارزش‌های کمونیستی در ایجاد نظم مطلوب جهانی خود ناکام ماند. در این میان «نظم لیبرالی» - که بازتاب ارزش‌های آمریکایی و مفاهیم مشروعیت‌یافته به‌وسیله‌ی این کشور است - درصدد خودنمایی جهت ایجاد نظم مطلوب مورد نظر

خود برآمد. مقام معظم رهبری در تقابل با این نظم لیبرالی، جمهوری اسلامی را پرچم دار ارزش‌های اسلامی و مدافع این ارزش‌ها در دنیا معرفی می‌کند: «آنچه که دنیای اسلام از ما ملت ایران توقع دارد این است که ما پرچم اسلام را - که پرچم عزت امت اسلامی است و ما آن را برافراشته‌ایم - محکم نگه‌داریم. این چیزی است که دنیای اسلام از ما توقع دارد. پرچم اسلام در کشور ما به ملت‌ها امید می‌دهد، آن‌ها را زنده می‌کند و به آن‌ها روحیه می‌بخشد. برافراشتن و نگه‌داشتن مستحکم این پرچم برای استحکام و نیرومندی ملت ما هم عامل بسیار بزرگی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹-ق). همچنین: «ما شعار اسلام می‌دهیم؛ ما پرچم اسلام را بلند می‌کنیم، و هر کس که در دلش شعله اسلام هست، به طور طبیعی دور این پرچم جمع می‌شود... هر جا که ملتی به نام اسلام سر بلند کرد و زبان باز کرد، بلاشک بدانید آن‌جا نام ملت ایران، نام عزیز و محترمی است. این، خاصیت مبارزه شماس است. این، خاصیت جهاد و فداکاری شماس است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۷/۲۷-ک).

ایران خود را ام‌القرای جهان اسلام می‌داند. مرکزیت جهان اسلام یکی از وظایف خود را دفاع از ارزش‌های اسلامی در منطقه و جهان می‌داند. مقام معظم رهبری با تأکید بر دفاع از ارزش‌های اسلامی، تقابل ایران را با نظام آمریکایی، که در قالب مفاهیم و ارزش‌های لیبرالی مطرح می‌باشد، نشان می‌دهند: «ما مدافعان استقلال و آزادی مشروع خود و مدافعان ارزش‌های اسلامی و حاکمیت قرآنیم، و این بزرگ‌ترین افتخار ماست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۵/۰۶-گ). همچنین: «ما از اسلام دفاع می‌کنیم. اما منظور ما از اسلام چیست؟ اسلام ما با اسلام متحجر از یک سو و اسلام لیبرال از سوی دیگر، در اصول و مبانی کاملاً متفاوت است. ما هم این را رد می‌کنیم و هم آن را. اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت؛ این سه شاخص عمده در آن هست. ما از معنویت به هیچ عنوان صرف‌نظر نمی‌کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵-ل). این نقش ملی در مقایسه با دیگر نقش‌های ملی از بیشترین بسامد برخوردار است؛ به طوری که وجود ارزش‌های اسلامی قوام‌دهنده و شکل‌دهنده‌ی بسیاری از دیگر نقش‌های ملی می‌باشد. بنابراین مبانی، وجود این مفهوم از نقش ملی در گفتارهای مقام رهبری را می‌توان تصور از وجود خطری دانست که نظام آمریکایی لیبرالی، اسلام و ارزش‌های اسلامی را تهدید می‌کند.

۷. نقش ملی رهبر و حافظ منطقه

زمینه‌های مورد توجه در این نقش، به وظایفی مربوط می‌گردد که یک حکومت در ارتباط با دولت‌های هم‌منطقه‌اش برای خود قائل است؛ همچنین به مسئولیت‌های خاص رهبری در یک منطقه و برحفاظت از مناطق مجاور تأکید دارد (هالستی، ۱۳۷۳: ۲۰۲).

جدول ۷: نقش ملی رهبر و حافظ منطقه در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۳۰	۲۰٪
۷۰-۷۲	۲۷	۱۸٪
۷۲-۷۴	۱۰	۷٪
۷۴-۷۶	۱۴	۱۰٪
۷۶-۷۸	۷	۵٪
۷۸-۸۰	۱۳	۹٪
۸۰-۸۲	۶	۴٪
۸۲-۸۴	۱	۱٪
۸۴-۸۶	۲۰	۱۴٪
۸۶-۸۸	۱۹	۱۳٪
مجموع فراوانی	۱۴۷	۱۰۰٪
میانگین	۱۵	

نمودار ۸: نقش ملی رهبر و حافظ منطقه در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



نقش رهبر و حافظ منطقه در واقع نشان‌دهنده‌ی مسئولیت‌های ایران در ارتباط با دولت‌های هم‌منطقه‌اش می‌باشد. ماهیت جهان‌شمول اسلام بر وظایف فراملی ایران تأثیر گذاشته است. چنانچه در بیانات مقام‌معظم‌رهبری مشاهده می‌شود، ایشان دفاع از حزب‌الله لبنان را به‌عنوان یک امر واجب قلمداد می‌کنند: «امروز دفاع از حزب‌الله لبنان، بر همه‌ی جامعه اسلامی واجب است. ما با بصیرت مسأله را نگاه می‌کنیم و برای ما روشن است که استکبار چه کار می‌کند. ما در قضیه‌ی فلسطین هم به همان استحکامی ایستاده‌ایم، که در قضیه‌ی لبنان یا در قضیه‌ی عراق یا در قضیه‌ی افغانستان» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۵/۰۵/۱۷-م). ایشان همچنین منافع ملت‌های مسلمان را با منافع جمهوری اسلامی مرتبط می‌دانند: «جمهوری اسلامی منافع ملت‌های مسلمان را منافع خودش می‌داند؛ با آن‌ها مرتبط است، از آن‌ها دفاع می‌کند؛ از مظلوم دفاع می‌کند، از ملت فلسطین دفاع می‌کند؛ این‌ها شاخص‌هاست و این‌ها بایستی برجسته شود» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴-ن). از دیدگاه ایشان افزایش قدرت نظامی ایران نه تنها خطری برای کشورهای منطقه ندارد، بلکه می‌تواند امنیت منطقه را تأمین کند: «تسلیمات ما هرچه که تاکنون بوده است و هرچه که بعد از این باید باشد، صرفاً برای دفاع از مرزهای این کشور و از این انقلاب و از ارزش‌هایی است که این انقلاب بر پایه‌ی آن‌ها بنا شده است. تسلیمات نیروهای مسلح ما، هیچ‌گونه خطری را برای همسایگان ما به وجود نمی‌آورد؛ ما می‌توانیم از همسایگان خودمان دفاع کنیم» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۱۹-و).

کشور ایران در این نقش‌ملی به‌عنوان حافظ منطقه جهت تأمین امنیت منطقه نقش مؤثری را برای خود قائل است؛ به‌طوری‌که همیشه از حضور نیروهای خارجی جهت تأمین امنیت منطقه شکایت داشته و همیشه خواستار سیستم دفاعی و امنیتی منطقه، بدون دخالت و حضور نیروهای بیگانه بوده است. ایشان امنیت منطقه را در گرو امنیت ایران می‌دانند: «ما همیشه امنیت را حفظ کردیم. امنیت برای خودمان، قهرماً امنیت برای منطقه است. یعنی هم امنیت خودمان را خواستیم، هم امنیت منطقه را؛ چون تفکیک ناپذیر است. ناامنی ما هم، ناامنی منطقه است. قدرت‌های فراملیتی یا تبعه آن‌ها خیال نکنند که می‌شود ایران را ناامن کرد و منطقه را برای دیگران امن نگه داشت؛ نه. این خواب و خیالی بیش نیست» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۵/۰۹/۲۴-ه). ایران به‌دلیل داشتن مرز آبی طولانی در خلیج فارس، موقعیت استراتژیک و اشراف بر تنگه‌ی هرمز، نقش مؤثری را در امنیت حوزه‌ی خلیج فارس برای خود قائل است: «این‌ها باید ملت ایران را خوب شناخته باشند. ملت ایران ملتی است که بیشترین قوام منطقه حساس خلیج فارس، به او و کشور

اوست. آن روزی که ایران امنیت و آرامش داشته باشد... منطقه روی آرامش خواهد دید. مگر این که آن‌ها برای خودشان در دسر درست کنند... اما چنانچه بخواهند ملت ایران را مورد تعرض قرار دهند، بدانند که منطقه بر دشمنان ملت ایران، به خصوص بر کسانی که در خانه‌های شیشه‌ای نشسته‌اند، به مراتب ناامن‌تر خواهد شد؛ به مراتب وضع برای آن‌ها سخت‌تر خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۰۹/۲۴ - ی). ایشان تأمین امنیت خلیج فارس را حق طبیعی ایران می‌دانند: «ما اگر از امنیت منطقه‌ی خلیج فارس حرف می‌زنیم و خود را در آن سهیم می‌دانیم، این ناشی از یک حق طبیعی است. خلیج فارس یک حوزه‌ی محدود و یک منطقه‌ی در بسته و سر بسته‌ی است که از لحاظ مرز، بیشترین سهم را جمهوری اسلامی دارد؛ طبیعی است که در امنیت و حراست از آن نقش داشته باشد... هرگز اجازه هم نمی‌دهیم که هیچ قدرت دیگری - چه از خود این منطقه، و چه از بیرون این منطقه، و امروز بخصوص آمریکا - بخواهد ژاندارمی این منطقه‌ی نفت خیز و بسیار قیمتی عالم را به خودش اختصاص بدهد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۱۹ - الف.۱).

۸. نقش دولت مستقل

واژه‌ی مستقل در این نقش ملی به معنای عدم وابستگی نیست و با استقلال میهن به عنوان یکی از اهداف کوتاه مدت متفاوت است. واژه‌ی مستقل تعبیری است که برای دولت‌هایی استفاده می‌شود که در هر موضوع خاص، حداکثر منافع خود را دنبال خواهند کرد و هدف‌های سیاست خارجی معدودی دارند و در امور جهانی و منطقه‌ای درگیری بسیار اندکی دارند.

جدول ۸: نقش ملی دولت مستقل در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

سال	فراوانی	فراوانی نسبی
۶۸-۷۰	۱۱	۹٪
۷۰-۷۲	۵	۴٪
۷۲-۷۴	۱۱	۹٪
۷۴-۷۶	۲۰	۱۷٪
۷۶-۷۸	۱۴	۱۲٪
۷۸-۸۰	۷	۶٪
۸۰-۸۲	۲۳	۱۹٪
۸۲-۸۴	۱۳	۱۱٪
۸۴-۸۶	۱۴	۱۲٪
۸۶-۸۸	۲	۲٪
مجموع فراوانی	۱۲۰	۱۰۰٪
میانگین	۱۲	

نمودار ۹: نقش ملی دولت مستقل فعال در بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۸)



این نقش ملی در سیاست خارجی، بیانگر این موضوع است که دولت در صحنه‌ی روابط بین‌الملل به دنبال تأمین حداکثر منافع خود می‌باشد. بسامد حاصل از مضامین هم‌پیوند با این نقش ملی در گفتارها و نوشتارهای مقام معظم رهبری، نسبت به دیگر نقش‌های ملی از پایین‌ترین فراوانی برخوردار است. مجموع فراوانی این نقش ملی ۱۲۰ می‌باشد. ایشان در زمینه‌ی پایبندی به منافع ملی چنین عنوان می‌کنند که: «ما می‌خواهیم این راه را با قدرت، با چشم باز، با همبستگی ملی برویم و کاری به کسی نداریم؛ تهدیدی برای کسی نیستیم؛ اما به آرمان‌های خودمان پابندیم؛ به منافع ملی مان پایبندیم و آن کسی که منافع ما را تهدید کند، تیزی خشم این ملت را خواهد دید» (مقام معظم رهبری، (۱۴/۰۳/۱۳۸۵-ب. ۱). در واقع: «ما روی منافع کشور و ملتمان با هیچ‌کس در دنیا معامله نمی‌کنیم. دشمنان این کشور و این ملت برای این که برای دشمنی خودشان توجیه بتراشند، می‌گویند نظام جمهوری اسلامی منافع ما را به خطر انداخته است» (مقام معظم رهبری، (۴/۱۰/۱۳۷۷-پ. ۱). بسامد پایین این نقش ملی در بیانات ایشان، طبیعی به نظر می‌رسد؛ زیرا جمهوری اسلامی در سیاست خارجی با ماهیت اسلامی خود، دو دسته از منافع ملی و مصالح اسلامی را دنبال می‌کند. به عبارتی، تنها تأمین منافع ملی، مدنظر مقام رهبری نمی‌باشد؛ بلکه ایران به عنوان یک کشور انقلابی که برپایه‌ی ارزش‌های اسلامی جهان‌شمول قوام یافته در حوزه‌ی مناسبات منطقه‌ای و جهانی، مصالح اسلامی جهان اسلام را هم پی‌گیر است.

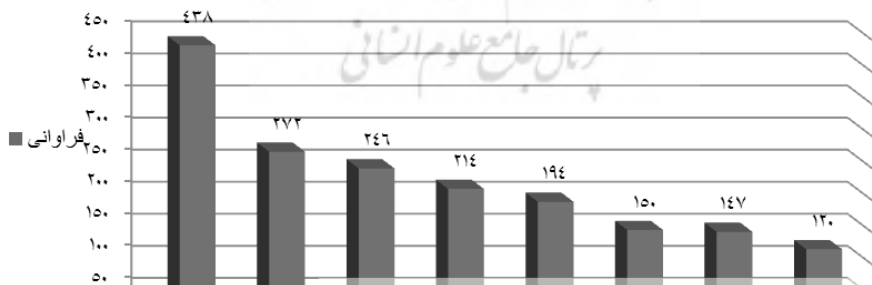
نتیجه گیری

در جدول و نمودار زیر، مجموع فراوانی نقش های ملی سیاست خارجی ایران با یکدیگر مقایسه شده است.

جدول ۹: نقش های ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نقش های ملی	فراوانی	فراوانی نسبی
مدافع اسلام	۴۳۸	۲۷٪
ضدیت با امپریالیسم	۲۷۲	۱۷٪
سنگر انقلاب	۲۴۶	۱۵٪
توسعه داخلی	۲۱۴	۱۳٪
دولت سرمشق	۱۹۴	۱۲٪
ضدیت با صهیونیسم	۱۵۰	۹٪
رهبر و حافظ منطقه	۱۴۷	۹٪
دولت مستقل	۱۲۰	۷٪
مجموع فراوانی	۱۷۸۱	۱۰۰٪

نمودار ۱۰: مقایسه مجموع فراوانی های مربوط به نقش های ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



با تحلیل کمی بیانات مقام رهبری در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، هشت نقش ملی با فراوانی‌های متفاوت مشخص شد. برخی از این نقش‌های ملی پیوند محکمی با قدرت نرم دارند. بر این اساس مشخص می‌شود که بن‌مایه‌ی برخی از نقش‌های ملی بر قدرت نرم استوار است. در نقش دولت سرمشق، جمهوری اسلامی ایران مفهوم صدور انقلاب را بر بنیان قدرت نرم استوار ساخته است. در نقش توسعه‌ی داخلی نیز با تأکید بر سازندگی و پیشرفت، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این زمینه (الگو و نمونه شدن برای دیگران) است. در نقش ملی سنگر انقلاب نیز، رگه‌های قدرت نرم نمایان است و جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با حمایت سیاسی و معنوی از مظلومان و مستضعفان عالم، منبعی الهام‌بخش و هویت‌ساز برای آن‌ها باشد. نقش ملی مدافع اسلام نیز از جمله نقش‌هایی است که در پیوند با قدرت نرم قرار دارد. از آنجایی که ارزش‌ها می‌توانند مبنای رفتارها و به عبارتی قوه‌ی محرک رفتار بدون استفاده از اجبار باشند، در حوزه‌ی قدرت نرم قرار می‌گیرند. جمهوری اسلامی در این نقش ملی، خود را مدافع ارزش‌های اسلامی می‌داند. نقش مبارزه با امپریالیسم، اگر بتواند منجر به ایجاد یک الگو گردد و از طریق پذیرش توسط دیگر بازیگران به شکل‌دهی رفتار آن‌ها منجر شود، بازهم نمود بارزی از قدرت نرم خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*. ترجمه‌ی ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۱)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی*. سال ۱۳، صص ۱۰۴۷-۱۰۳۵.
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۷)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. قم: بوستان کتاب.
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۸- الف)، «بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی»، ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2153>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۷- ب)، «بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام»، در ۱۹ شهریور ۱۳۸۷، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3783>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۴- پ)، «بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر» در ۴ فروردین ۱۳۷۴ قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2661>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۸- ت)، «بیانات در مراسم بیعت روحانیون استان مازندران و اصفهان و طلاب کشورهای اسلامی مقیم ایران»، در ۴ تیر ماه ۱۳۶۸، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2110>
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۴- ث)، «بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام

خمينی (ره) «در ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2755>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۴-ج)، «بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)»
در ۱۴ خرداد ۱۳۷۴، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2755>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۹-چ)، «بیانات در دیدار مردم کرج»، در ۲۴ مهر ۱۳۷۶،
قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2858>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۰-ح)، «بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی
(ره)»، در ۱۴ خرداد ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2460>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۹-خ)، «سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده»،
در ۵ آبان ۱۳۶۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2374>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۲-د)، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه»، در ۱۴ خرداد
۱۳۷۲، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2671>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۲-ذ)، «بیانات در دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر
۲۵ کربلا»، در ۲۹ شهریور ۱۳۸۲، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3195>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۶-ر)، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران»، در ۲۲
شهریور ۱۳۸۶، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3401>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۸-ز)، «بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان»، در
۱۰ آبان ۱۳۶۸، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2217>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۳-ژ)، «بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت
امور خارجه»، در ۲۵ مرداد ۱۳۸۳، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۵-س)، «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و
دانش‌آموزان»، در ۹ آبان ۱۳۷۵، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2817>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۱-ش)، «بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و
دانشجویان»، در ۱۳ آبان ۱۳۷۱، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2641>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۷-ص)، «خطبه‌های نماز جمعه تهران»، در ۳۰ شهریور ۱۳۸۷، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3813>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۰-ض)، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان ارتش»، ۹ مرداد ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2477>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۹-ط)، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران»، در ۲۵ آذر ۱۳۷۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3040>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۶۸-ظ)، «پیام فرمانده کل قوا به گردهمایی فرماندهان ارتش بیست میلیونی»، در ۲ آذر ۱۳۶۸، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/mes-sage-content?id=360>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۰-ع)، «بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین»، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3061>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۹-غ)، «بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم»، در ۹ آبان ۱۳۷۹، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3032>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۶-ف)، «بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها»، در ۹ مهر ۱۳۸۶، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3403>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۱-ق)، «بیانات در دیدار مردم قم»، در ۱۹ دی ۱۳۸۱، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3160>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۱-ک)، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج»، در ۲۷ آبان ۱۳۷۱، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2643>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۲-گ)، «بیانات در مراسم صبحگاه مشترک پادگان لشکر ۲۱ حمزه آذربایجان»، در ۶ مرداد ۱۳۷۲، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2676>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۳-ل)، «بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه»، در ۲۵ شهریور ۱۳۸۳، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۵-م)، «بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امیرالمؤمنین (ع)»، در ۱۷ مرداد ۱۳۸۵، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3345>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۷-ن)، «بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت»، در ۲۴ آذر ۱۳۸۷، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۰-ه)، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی ارتش»، در ۱۹ بهمن ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2579>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۵-ی)، «بیانات در دیدار جمعی از پاسداران»، در ۲۴ آذر ۱۳۷۵، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2821>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۵-الف.۱)، «بیانات در دیدار جمعی از پاسداران»، در ۲۴ آذر ۱۳۷۵، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2821>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۰-ب.۱)، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی ارتش»، در ۱۹ بهمن ۱۳۷۰، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2579>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۸۵-پ.۱)، «بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، در ۱۴ خرداد ۱۳۸۵، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3341>

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سیدعلی (۱۳۷۷-ت.۱)، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه»، در ۴ دی ۱۳۷۷، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2922>

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.

- راست، بروس و استار، هاروی (۱۳۸۱)، *سیاست جهانی محدودیت‌ها و سیاست‌های انتخاب*. تهران: وزارت امور خارجه.

- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، تهران: نی.

- ستوده، محمد (۱۳۸۵)، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. قم: بوستان کتاب.

- سلیمی، حسین (۱۳۹۰)، «مبانی نظری قدرت‌نرم؛ زمینه‌های نظری قدرت‌نرم در اسلام»، *مطالعات قدرت‌نرم*. سال ۱، شماره‌ی ۴، صص ۲۰۳-۱۸۳.

- شیلز، هربرت (۱۳۷۷)، *وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا*. ترجمه‌ی احمد عابدینی،

تهران: سروش.

- صفوی، سیدحمزه (۱۳۸۷)، *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- کریمی فرد، حسین (۱۳۸۸)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس مؤلفه‌های هویت ملی»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۲، تابستان، صص ۱۵۵-۱۷۸.

- کیوان حسینی، سیداصغر (۱۳۸۹)، «کارکرد مکتب پساگرامشی در تشریح رفتار نرم‌افزاری بازیگر چیره‌طلب»، *راهبرد*. شماره ۵۶، پاییز، صص ۱۶۳-۱۸۵.

- مشیرزاده، حمیرا و مصباح، احسان (۱۳۹۰)، «موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *روابط خارجی*. سال ۳، شماره ۱، صص ۲۷۰-۲۴۵.

- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*. ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- هالستی، ک. (۱۳۷۶)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. ترجمه‌ی بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: وزارت امور خارجه.

- یزدانی، عنایت‌الله و شیخون، احسان (۱۳۹۱)، «قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تأکید بر فرهنگ»، *مطالعات قدرت نرم*. سال ۲، شماره ۵، صص ۱۲۱-۹۵.

۴۰

دو فصلنامه مطالعات
قدرت نرم

سال سوم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی